



اسلام درهند

(۲)

اولیاء فرقه قادری :

این طریقت درهند مانند بیشتر کشورهای اسلامی بسیار توسعه یافت. هر چند بنیان گذار آن عبدالقادر گیلانی (۱۱۶۶ م درگذشت) هرگز هند را ندیده بود با وجود این اکنون زیارتگاههای چندی بافتخار او درهند برپا می باشد. و در آنها بعضی از آثار و اشیاء مخصوص او مانند مسواک و تسبیح و امثال آن مورد تقدیس زائران می باشد و می گویند ریشه مسواک مقدس در لودھیانا جای گرفته و درخت آن روئیده شده است. برای این خاطر قادری ها سالی یکبار جشن می گیرند و چندین هزار نفر در آن شرکت می کنند. در یادبود مرگ عبدالقادر در ۱۱ ربیع الثانی هر سال مردم در مزار او گرد آمده به خواندن قرآن و دعا می پردازند و نام ۹۹ نفر از معصومین را بطور ذکر بزبان می آورند. هنگام شیوع بیماریهای واگیر و وبا درهند مراسمی بافتخار او برپا می شود و اولیاء اطفال نذر می کنند هر فرزند پسر یا دختر که از آنها بدنیآید بنام او اهداء کنند. فرقه قادری با تبلیغات شخصی بنام سید محمد معروف به بندگی محمد غوث از اهل حلب درهندوستان رواج

☆ آقای سید ابوالفضل طباطبائی از ترجمانان چیره دست و نویسندگان پژوهنده ماس

یافت. وی در سال ۱۴۸۲م به ارج هندوستان مهاجرت کرد و ۳۵ سال پس از آن درگذشت. بسیاری از اولادان اونیز در زمره اولیاء و معصومان و صاحبان کشف و کرامت می باشند. آرامگاه بندگی محمد غوث در ارج هنوز از طرف افراد خانواده او نگاهداری می شود و در آنجا بعضی از آثار مقدس مانند جای پای پیامبر و عمامه شیخ عبدالقادر گیلانی در معرض زیارت مردم قرار دارد.

از جمله اولیاء دیگر فرقه قادری شیخ میر محمد معروف به میان میر است که در سال ۱۶۳۵م در لاهور درگذشت. او شاگرد روحانی شاهزاده داراشکوه بود و آرامگاه وی زیارتگاه پیروان قادریه است. دیگر تاج الدین (۱۶۹۸م درگذشت) از نسل شیخ عبدالقادر گیلانی و قبراو در اورنگ آباد و از مزارهای مقدس قادریه بشمار است.

اولیاء فرقه شطاری :

محمد غوث یکی از پیشوایان این فرقه استاد امپراتور همایون شاه بود. پس از درگذشت او اکبر شاه بارگاه باشکوهی بافتخار او در گوالیور بنا نمود. وجه الدین گجراتی یکی از شاگردان وی از جمله دانشمندان بنام زمان خود بود و در ۱۵۸۰م درگذشت. دیگر از اولیای شطاری شاه پیر (درگذشت ۱۶۲۲م) بوده که در میروت مدفون است و ملکه نورجهان همسر امپراتور جهانگیر بارگاه باشکوهی در آنجا بافتخار او بنا کرده است.

بطوریکه ملاحظه می کنیم بسیاری از اولیاء مزبور در انتشار اسلام در هند نقش مهم داشتند و در تبلیغ آن روشهای مخصوصی بکار می بردند. مثلاً معین الدین چشتی را حکایت می کنند که هنگام زیارت حج مأموریت یافت در هند به تبلیغات اسلامی بپردازد بدینقسم که در مدینه پیامبر اکرم را بخواب دید که به او فرمود برای انجام این وظیفه بدانجا برود. وی در راه خود به اجمیر ۷۰ نفر را در دهلی به قبول اسلام مشرف ساخت و هنگام اقامت او در اجمیر دامنه تبلیغاتش با سرعت بی مانندی پیشرفت کرد.

مخدوم جهانیان در پنجاب و بهاء الدین زکریا و فرید الدین شکر گنج هر یک بنوبه خود موفقیت شایانی در تبلیغات اسلامی بدست آورد. سید نثار شاه (درگذشت ۱۰۳۹م) در جنوب هند از پیشتازان اسلام بود. آرامگاه او در تریچی نوپولی زیارتگاه مؤمنین است. شاه الحمید یکی دیگر از اولیاء درنا گور فعالیت میکرد و در آنجا بقعه و بارگاه باشکوهی بر مزار او برپا می باشد. محمد گیسودراز در حیدر آباد دکن مدفون و مسلمانان او را صاحب کشف و کرامات می دانند و برای بر آوردن حاجات خود در راه او نذرونیاز می کنند. می گویند جلال الدین تبریزی یک شیر فروش هندی را بایک نگاه مسلمان کرد.

حسن کبیرالدین آچی یکی دیگر از اولیاء وقتی بیمار شده بود برای معالجه خود بدنبال يك پزشك هندو فرستاد و پزشك از بیم آنکه با جاذبه نگاه او اسلام اختیار کند از عیادتش خودداری کرد و فقط نمونه پیشاب او را برای آزمایش خواست . اما همینکه نظرش بآن افتاد اسلام آورد .

امام شاه مقیم پیرانه در گجرات هنگام خشکسالی با کرامت خود موجب باریدن باران شد و در اثر آن گروه بزرگی از روستائیان هندو مسلمان شدند . او در جای دیگر در بر خورد با گروهی از هندوها که برای زیارت به بنارس می رفتند پیشنهاد کرد آنها را به آنجا برساند و هندوها در يك لحظه خود را در بنارس در حالی که در رود گانژ غسل می کردند مشاهده نمودند . در همان آن خود را در پیرانه گجرات یافتند و در اثر این کرامت اسلام آوردند . یکی دیگر از کرامات کبیرالدین آن بود که رودهای مقدس گانژ و خمیارا از راه بسیار دور در نظر گروهی از هندوها مجسم ساخت و آنها را به اسلام دعوت کرد و پیشنهاد او را بامیل پذیرفتند .

بسیاری از اولیاء سالها به ریاضت می پرداختند و با پای پیاده زیارت مکه و زیارت قبور اولیاء دیگر می رفتند .

محمد غوث (وفات ۱۵۶۲ م) دوازده سال در تپه های شمال گانژ به ریاضت های بدنی می پرداخت و از برگ درختان تغذیه می کرد و در غارها بسر می برد . شاه برهان (۱۵۶۳ م) مدت پنجاه سال از خوردن گوشت و مایعات خودداری کرد و فقط به خوردن مقداری کم شیر و شیرینی اکتفا نمود و در پایان عمر آب هم نمی نوشید تا جائی که صورت ظاهری او همچون شبی نورانی جلوه مینمود . او همواره در دخمه ای تنگ و تار می نشست و به دعا و ذکر و تفکر مشغول می شد . میان حاتم (درگذشت ۱۵۶۲ م) ده سال در استان سمبال سرو پابرهنه سرگردان بود . او وقتی در اندیشه خدا فرو می رفت با وجد و سرور با آواز خدا را ستایش می کرد و حالت جذب و بیخودی از خود به او دست می داد و سخن می گفت و می خندید و خدا خدامی کرد . او در اواخر زندگیش چنان مجذوب عشق الهی شده بود که با ذکر خدا او را نزدیک و پهلوی خود می پنداشت .

اولیاء فرقه های مختلف دینی بیشتر اوقات خود را به ریاضت و انجام مراسم مخصوص فرقه که عبارت از ذکر است صرف می کردند و در حلقه های ذکر شرکت داشتند و اخلاص و وفاداری نسبت به عقاید فرقه را به پیروان خود می آموختند . مراسم مذکور بخصوص نزد فرقه چشتی و سهروردی بارقص و آواز های مذهبی همراه بود .

می گویند شیخ بدرالدین یکی از معاصران شیخ فریدالدین شکر گنج هنگام سالخوردگی که قادر به حرکت نبود از شنیدن آواز مذهبی به هیجان می آمد و چنان

دستخوش جذبه می‌شد که مانند يك جوان باشور و شعف فراوان برپا می‌خاست و برقص می‌آمد . وقتی از او پرسیدند : ای شیخ : باچنان ناتوانی وضعف چگونه برپاخاسته با این هیجان برقص می‌آئی ؟ می‌گفت : شیخ کجا است ؟ این عشق است که به وجد درمی‌آید و می‌رقصد !

درهند تماس اسلام و هندوئی بایکدیگر تحولاتی در آنها ایجاد کرد و یکتاپرستی که مذهب رسمی شمال هند گردید در هندوئی بطور دامننه داری رسوخ کرد . در آنزمان تعلیمات یهود و مسیحیت نیز در مذهب هندوئی نفوذ داشت . در جنوب هند اسلام بسیاری از عادات و رسوم هندوها را بخود جلب نمود ، پرستش خدایان محلی ، اقتباس آداب زناشوئی و پاره‌ای رسوم دیگر هندوئی بقسمی در مسلمانان رسوخ یافت که چیزی نگذشت بصورت يك مذهب ملی در آمد . باید توجه داشت که ایران در تصوف کمک جالب توجهی به اسلام درهند نموده است . گرچه اصل وریشه صوفی‌گری هنوز شناخته نشده است ، بعضی آن را ناشی از انقلاب روحی آریائی در برابر مذهب سامی می‌دانند که بزور شمشیر بريك ملت شکست خورده تحمیل گردید ، برخی آن را مولود افکار خود هندوهای شناسند و بعقیده بعضی دیگر تصوف زائیده عقاید بودائیان می‌باشد . بهرحال اگر تصوف از اصول مذهبی بودائیان که از طرف مبلغین بودائی در غرب هند تبلیغ می‌شد گرفته نشده باشد می‌توان گفت با عقیده وحدت وجود که در هند رسوخ داشته بسیار نزدیک باشد .

سپل مهاجران مسلمان به هند موجب شد افکار فلسفی و الهیات در آنجا بطور دامننه داری رسوخ یابد و مسلمانان مقیم آن کشور از شیعه و سنی سعی کردند وضع و روش دینی خود را باد دیگر مسلمانان جهان تطبیق دهند . قسمت مهمی از کتب دینی و تاریخی و ادبی بزبان عربی و فارسی نوشته شد و تحصیل و مطالعه دانش اسلامی به این دوزبان خارجی مسلمانان هند را بر آن داشت که از عقاید و افکار فلاسفه و دانشمندان و ادبا و شعرای غیر هندی بخصوص ایرانی بهره‌برداری کنند . اما توده هندوهای تازه مسلمان و طبقه بی‌سواد بخصوص ساکنان مناطق دوردست و بازماندگان معتمدان به آئین قدیم از این لحاظ با همجواریان هندو هنوز چندان تفاوت ندارند ، مثلا خدای گذشتگان خود و بخصوص خدای روستاها را می‌پرستند و در آداب و رسوم اجتماعی و دینی ، در کشت زمین و پرستش خدایان ، بیماریها بخصوص در پرستش ربه النوع آبله (سیتالا) با هندوها مشارکت دارند و در جشن های آنان مربوط به تغییر فصلها مانند جشن اعتدال شب و روز (هولی) و جشن اعتدال پائیز (دسهره) شرکت می‌جویند .

این رسم هندوهای مسلمان شده بیشتر مورد اعتراض جامعه اسلامی هند واقع شد

و فقط در دهه دوم قرن نوزدهم سید احمد و حاجی شریعت الله که تبلیغات و هابی ها را در هند بعهدده داشتند باروش مزبور عملا مبارزه نمودند . اخیراً نیز مولوی کرامت علی (وفات ۱۸۷۴ م) در نوشتجات خود بانجام رسوم و آئین هندوئی از طرف مسلمانان سخت مخالفت نمود .

باآنکه اکنون وسائل ارتباط میان استانهای هند فراهم است و دررفت و آمد و آمیزش میان اقوام مختلف تسهیلاتی بسیار بوجود آمده و مسلمانان هند کم و بیش آموزش یافته اند ، معذک قسمتی زیاد از ایشان آداب و رسوم اجتماعی و حتی دینی هندوئی را همچنان دنبال می کنند و به پاره ای از معتقدات آن پابرجاهستند و در بیشتر رسوم مذهبی و اجتماعی از قبیل ارث و ازدواج تحت تأثیر مراسم هندوئی می باشند و به شرایع اسلامی آنطور که باید عمل نمی نمایند . راجبوتها و جت های مسلمان در پنجاب و قبایل مبیلا در کرانه غربی جنوب هند نیز عادات و رسوم اسلاف خود را از دست نداده اند و مخصوصاً در مورد ارث بهمان روش قدیم عمل می کنند .

پنج پیر یا (پنج پیر)

ناگفته نماند که هندوها نیز پاره ای از عادات و رسوم مسلمانان را مقدس می دانند و مقابر اولیاء و باصطلاح امام زاده ها را زیارت می کنند و برای ادای حاجات قربانی و نذر و نیاز مینمایند و به آنها توسل می جویند . برای نمونه در اینجا به پنج پیر مورد تعظیم و ستایش مسلمانان که هندوها نیز با آنان مشارکت دارند اشاره می کنیم : این نام از پنج پیر فارسی گرفته شده و جزو معتقدات مشترک قبایل طبقه پائین غرب بنگال و استان اگره و اوده و شرق پنجاب می باشد . پنج پیر مورد بحث بی ارتباط با عقیده شیعه درباره پنج تن (محمود علی و فاطمه و حسن و حسین) نمی باشد ، باین تفاوت که در هند هر مؤمن یا قبیله مؤمن مطابق سلیقه مخصوص خود اولیاء پنج گانه ای را تقدیس می کند و این رسم ناشی از عقیده قدیم هندوئی می باشد که عدد پنج را مقدس می شمردند . در پنجاب پنج تن معصوم انتخابی مسلمانان عبارتند از خواجه معین الدین چشتی ، که مزار آن در اجمیر است ، شیخ نظام الدین اولیاء در دهلی ، شیخ جلال محدود ، جهانیا جهان گشت در اوچچا و بابا شیخ فرید الدین شکر گنج در پاک پاتان . در استانهای متحده و ایالت پنجاب قبایل و عشایر طبقه پائین تر نام اشخاص دیگری از درجه دوم اولیاء بر آنان می افزایند ، مانند قاضی میان ، امینه ساقی ، بهایرون ، بواهنابندی ، امینه زن مقدس و باایمانی بود که بر روی جنازه شوهرش جان سپرد .

معمولاً در ایالات متحده پنجاب و بنگال در پیشاپیش فهرست هائی که برای پنج تن مقدس انتخاب شده نام قاضی میان که یک شخصیت تاریخی شناخته شده است قرار دارد . شگفت آور آنکه شهیدان و معصومین مسلمان که علیه هندوها می جنگیدند بعنوان

پنج پیر مورد ستایش و تقدیس آنان می باشند. بعضی معتقدند که در شرق بنگال بنظر کاهنان هندو این ستایش ناشی از روح تسامحی است که نانک شاهی یا سیک بموجب تعلیمات نانک پیشوای معروف سیک گورو عمل می کنند. نانک گفته است نه فقط روح تسامح و گذشت عمومی در مذهب هندوئی با اسلام مشابهت دارد بلکه مؤمنین هر دو مذهب وجود مطلق را بعنوان هرا (ویشنو) یا الله می پرستند. از اینرو هندوها باید اولیاء و شهدای مسلمان را نیز بستايند. در عین حال در نقاط و ایالاتی هم که سیک گورو وجود ندارد معتقدات هندوها به پنج پیر مسلمانان همچنان استوار است. در غرب بنگال پنج پیر نه فقط مورد ستایش مسلمانان است بلکه هندوهای طبقه پائین نیز آنها را تقدیس می کنند. پنج پیر غالباً بعنوان خدایان خانواده پرستش می شوند و نمونه آنها بشکل يك پنجه آهنین انسان با پارچه زردی پیچیده برمچ آن که در روی يك پایه گچی نصب و در زاویه شمال غربی اطاق خانه آویزان شده مجسم است. در هر چهارشنبه پایه گچی شستشو می شود و در پای آن پنجه، گل می ریزند و اسفند دود می کنند و در مواقع مخصوص نیز بزیاخروس قربانی میکنند. هر گاه این پنجه ها از آن خانواده هندو باشد مراسم مخصوص آن را يك فقیر هندو بنام دفالی (دف زن) انجام میدهد. هندوهای معتقد به پنج پیر یا در این مراسم گوشت قربانی مسلمانان را می خورند، اما به گوشت قربانی خدای هندو بدستور آئین هندوئی دست نمی زنند. در عین حال از عبادت خدایان خود نیز غفلت ندارند.

در ایالات متحده و پنجاب این مراسم بشکل دیگر انجام می شود. همه سال در فروردین ماه در اطراف مزار قاضی میان که از اولیای شهید اسلامی بود دسته هائی بحرکت می آیند و سراسختگی او را باموهای ژولیده بر بالای نیزه می گردانند و عزاداری می کنند. در داستان این شخص گفته شده است وقتی سر او را بردند سرهمچنان روی زمین می غلتید. این مراسم را مسلمانان و هندوها با یکدیگر انجام می دهند.

مراجع:

- 1- Encyclopediae of Religion and ethics:
Mohammedanism in India
Mission
Saints and martyrs
- 2- T. W. Arnold : The Preaching of Islam
- 3- E. G. Brown . Religion System of the World
- 4- Dr. Gustave Le Bon : Civilisation Indoue
- 5- Marcel Brilon :
منم تیمور جهانکشا گرد آورده مارسل بریون
ترجمه ذبیح الله منصوری
- 6- J. Dawson : History of India
- 7- Wise : Notes, on race, tribes and trade of E. Bengal